



8

نشریه اسلامی

باسم تعالی

استفسار

الرابطة الثقافية الإسلامية العالمية
International Islamic Cultural Association
انجمن فرهنگی جهانی اسلامی

تاریخ: 2015/6/20 شماره: 8

www.khetabat.com

پاسخگوی پرسش های دانشجویان مسلمان

سوال : چنان احساس می کنیم که برای انسانهای همچو من که نفس سرکش و گناه آلود داریم ، یاد آوری عذاب خداوند نقش مهمی را در اصلاح و توبه ایفاء خواهد کرد ، لذا اگر ممکن باشد لطفاً در مورد عذاب آخرت (نار جهنم) کمی روشنی بیندازید؟

(جواب) :

چون خداوند تبارک و تعالی بر بنده اش اراده خیر نماید ، قلبش را به ذکر آخرت زنده می گرداند ، زیرا یاد آوری دار آخرت چنان عزت و درجه عالی می باشد که الله جل جلاله انبیاء علیهم السلام را به چنین یک خصوصیت ستوده ، امتیاز داده است : [إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذُكِّرَى الدَّارِ] (ما آنان را با صفت خاصی ویژگی بخشیدیم که یاد (همیشگی ایشان از) سرای آخرت بود) . ص - 46

کسانیکه فریفته تنعم و ترفه موقت دنیوی شده و از یاد و اندیشه آخرت غفلت ورزیدند ، بالاخره شقاوت و ضلالت دامگیرشان شده ، فاقد اهمیت و ارزش اخروی می گردند : [الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ] (آن کسانی که (به دنبال دین حق راه نیفتادند و بلکه) خوشگذرانی و بازی را آئین خود کردند (و دین را مسخره پنداشتند و به بازیچه گرفتند) و زندگی دنیا آنان را گول زد (و جهان عاجل ، ایشان را از جهان اجل بازداشت) ، پس امروز ایشان را (از برخورداری از الطاف و انعام خود بی نصیب و آنان را) از یاد می بریم ، چون که ایشان رسیدن به چنین روزی را از یاد بردند و آیات (دیدنی جهان و خواندنی قرآن و سائر کتابهای آسمانی) ما را انکار کردند) . الاعراف - 51

در قرآن عظیم الشان مثالهای زیادی وجود دارد که آخرت و آتش دوزخ را بیاد انسان می آورد : [أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ] (آیا هیچ درباره آتشی که برمی افروزید ، اندیشیده اید ؟) واقعه - 71

[أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ] (آیا شما ، در آغاز این آتش را پدیدار کرده اید ، یا این که ما پدیدآورندگان آن هستیم ؟) واقعه - 72

[نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذَكُّرًا وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ] (ما آن را وسیله یادآوری (آخرت) و وسیله زندگی اقویاء و فقراء نموده ایم) . واقعه - 73

پس علاوه از اینکه آتش دنیوی مورد استفاده انسانها قرار میگیرد ، برای تذکیر آتش جهنم نیز وسیله ای موثری می باشد .

همچنان خداوند متعال حرارت و گرمای این دنیا را وسیله یاد آوری نار جهنم که به مراتب شدیدتر است ، گردانید :

[وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ] (و می گویند در گرما (ی سوزان تابستان به سوی میدان نبرد) حرکت نکنید . (ای پیغمبر ! بدانان) بگو : اگر دانا بودند می فهمیدند که آتش دوزخ بسیار گرمتر و سوزانتر (از گرمای تابستان و از همه آتشفهای جهان) است) . التوبة - 81

برادر محترم : این همه تذکیرها و تحذیرها در مورد آتش رهیب و سوزانی است که در آخر راه قرار دارد ، که در آنوقت آدمیزاد به غفلت و گناه ناشی از آن پی می برد ولی دیگر فرصت از دست رفته است :

[وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ يَجْهَنَّمْ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذُّكْرَى] (در آن روز دوزخ را حاضر آورند (و نشانش دهند) . در آن روز انسان به خود می آید ، ولی چنین به خود آمدنی کی سودی به حال او دارد ؟ !) .
الفجر - 23

[يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي] (خواهد گفت : کاش برای زندگی خود (خیرات و حسناتی) پیشاپیش می فرستادم !) الفجر - 24

چنان آتش رهیب و سوزانی که شراره های بلند خوفناک از آن بر می آید :

[إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ] (آتشی که (چنین دود مرگباری از آن برمی خیزد) آتشپاره هائی از خود بیرون می دهد که انگار کوشک (بزرگ و برافراشته ای) هستند) . المرسلات - 32

[كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ] (آتشپاره هائی که انگار (از لحاظ رنگ و حرکت و سرعت) شتران زردی هستند) .
المرسلات - 33

و جوش و خروش غضبناک دارد :

[إِذَا رَأَوْهُم مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيْطًا وَزَفِيرًا] (هنگامی که (این آتش فروزان دوزخ) ایشان را از دور می بیند (و آنان چشمشان بدان می افتد) صدای خشم آلود و جوش و خروش آن را می شنوند) .
الفرقان - 12

خداوند واحد قهار آتش جهنم را در آیات متعددی چنان بیان می کند که گویا آدمیزاد دوزخ را با اهل آن در حال عذاب های گوناگون مشاهده می کند :

در آیات ذیل دوزخ یکی از چیزهای هولناک و ترساننده بزرگ نامیده شده است :

[إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكُبْرَى] (دوزخ (یکی از مسائل مهم و حوادث عظیم ، اصلاً) بلائی از بلاهای بزرگ است) .
المدثر - 35

[نَذِيرًا لِلْبَشَرِ] (وسیله بیم دادن انسانها است) . المدثر - 36

و همچنان : [فَأَنْذَرْتُمْ نَارًا تَلَطَّى] (من شما را از آتش هولناکی بیم می دهم که شعله ور می شود و زبانه می کشد) . البیل - 14

[لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى] (بدان داخل نمی شود و نمی سوزد مگر بدبخت ترین (انسانها)) . البیل - 15

[الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى] (همان کسی که (حق و حقیقت را دروغ می داند و آن را) تکذیب می نماید و (به آیات آسمانی) پشت می کند) . البیل - 16

این همه تحذیرها و بیم دادن ها برای آنست که مسلمان اسیر کمند هوا و هوس و گرفتار معاصی نشده و مستحق نار جهنم نگردد .

چنان آتشی که آسانترین عذابش طاقت فرساست :

[عَنِ النَّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا ، قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ :
إِنَّ أَهْلَ النَّارِ أَهْلَ النَّارِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِرَجُلٍ يُوَضِّعُ فِي أَحْمَصِ قَدَمَيْهِ جَمْرَتَانِ يَغْلِي مِنْهُمَا دِمَاعُهُ مَا يَرَى
أَنْ أَحَدًا أَشَدُّ مِنْهُ عَذَابًا ، وَإِنَّهُ لَأَهْوَنُهُمْ عَذَابًا] (از نعمان بن بشیر رضی الله عنهما روایت است که
گفت : از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که می فرمود : آسانترین اهل دوزخ از روی

عذاب مردی است که دو پاره آتش در تهیگاهِ قدمش نهاده می شود که از آن دماغش می جوشد ، کسی گمان نمی کند شخصی وجود داشته باشد که عذابش از او سخت تر باشد در حالیکه عذاب او از همه آسانتر است) متفق علیه

آتش دنیا تصور نار جهنم را البته با تفاوت عظیم حجم کیفیت ، در اذهان انسانهای دور اندیش شعله ور می سازد که حرارت این احساس ، میان آنها و ارتکاب جرایم حائل می گردد ، ولی متاسفانه غفلت و قسوت قلب چنان مصیبتی را عاید حال بسیاری نموده است که این همه تذکیرها و تحذیرها ، باعث اصلاح و توبه چشم گیری نمی شود .

ما و منکرین در یک کاروان حیات فانی سفر می کنیم ، و حقیقت در آخر راه حرف خواهد زد که آنجا جهت ها بررسی خواهد شد ، ولی دیدگاهها و موضعگیری ها جبران ناپذیر خواهد بود.

اهل دوزخ به اعراض کردن از ناصح ناصحین و فساد عقل خویش اعتراف نموده ، اقرار به جرم و گناه می نمایند ، ولی آن اعتراف و اقرار بی وقت ، بی سود خواهد بود :

[وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ] (و می گویند : اگر ما گوش شنوا می داشتیم ، و یا عقل خود را به کار می گرفتیم ، هرگز از زمره دوزخیان نمی گشتیم). الملک - 10

[فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ] (اینجا است که به گناه خود اعتراف می کنند . پس دوری (از رحمت خدا) بهره دوزخیان باد!) الملک - 11

دوزخیان چون از نجات مایوس می شوند ، تمنای موت نموده ، فریاد کنان به خازن جهنم که فرشته ای به نام (مالک) می باشد ، می گویند به پروردگار خویش عرض کن که ما را فنا کرده و موت دهد.

[وَنَادُوا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ] (آنان فریاد می زنند : ای مالک ! پروردگارت ما را بمیراند و نابودمان گرداند). الزخرف - 77

ولی جواب منفی خواهد بود : [قَالَ إِن كُمْ مَّا كُتُوبًا] (می گوید : شما (اینجا) می مانید (و مرگ و میر و نیستی و نابودی در کار نیست)) . الزخرف - 77

زیرا این سزا را در مقابل گناه و جرم یافتید و حق را نپذیرفتید : [لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ] (خداوند بدیشان پیام می دهد که) ما حق را برای شما آوردیم (و توسط پیغمبران برایتان فرو فرستادیم) ولی اکثر شما حق را نپسندیدید و آن را دشمن داشتید). الزخرف - 78

کافران را برای پشیمانی و ندامت مواقع بسیار پیش می آید ، یک موقع آنست که (موت) را به شکل قوچ میارند و در میان بهشت و دوزخ به همه مخلوق نشان داده آنرا ذبح می کنند و ندا به گوش مردم خواهد رسید که بهشتیان در بهشت و دوزخیان در دوزخ ابدی بود و باش می کنند بعد از این مرگ بر هیچکس وارد نمی شود .

[وَأَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ] (ای پیغمبر !) ظالمان را از روز حسرت (که رستاخیز است) بترسان . آن هنگامی که کار از کار می گذرد و (همه چیز دنیا پایان می گیرد و وقت حساب و کتاب فرا می رسد ، و ستمکاران می بینند که) ایشان در غفلت (عمر گرانمایه را) بسر برده اند و (به قیامت و بهشت و دوزخ) ایمان نداشته اند). مریم - 39

بر مسلمان است تا از شرک و انواع آن مانند : استعانت جستن از اموات و جادو و تصدیق کردن ساحران پرهیز نماید تا از اهل نار محسوب نگردد ، زیرا الله متعال می فرماید :

[إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ] (بیگمان هر کس انبازی برای خدا قرار دهد ، خدا بهشت را بر او حرام کرده است (و هرگز به بهشت گام نمی‌نهد) و جایگاه او آتش (دوزخ) است) . المائدة - 72

افسوس به حال بی نمازان و حال کسانی که توجه به فقراء و مساکین ندارند و صد افسوس بحال جاهلانیکه بنابر تقلید منکرین ، علیه دین اسلام مباحثه ها می کنند و با بدان همنشینند بگونه ای که در شکوک و شبهات غرق شده و همواره جاهلانه در تکذیب و تردید بسر می برند تا اینکه لحظه موت فرا رسد ، آیا در کتاب الله نمی خوانند که اهل جنت از اهل نار می پرسند ، چگونه در آتش دوزخ افتادید !

[مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ] (چه چیزهایی شما را به دوزخ کشانده است و بدان انداخته است)؟ المذثر - 42

[قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ] (می‌گویند : (در جهان) از زمره نمازگزاران نبوده‌ایم) . المذثر - 43

[وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ] (و به مستمند خوراک نمی‌داده‌ایم) . المذثر - 44

[وَكُنَّا نَحْوُ مَعَ الْخَائِضِينَ] (و ما پیوسته با باطلگرایان (همنشین و همصدا می‌شده‌ایم و به باطل و یاه و عیبجویی) فرو می‌رفته‌ایم) . المذثر - 45

[وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ] (و روز سزا و جزای (قیامت) را دروغ می‌دانسته‌ایم) . المذثر - 46

[حَتَّىٰ آتَانَا الْيَقِينَ] (تا مرگ به سراغمان آمد) . المذثر - 47

و افسوس به حال کسانی که زکات را اداء نمی کنند :

[وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ] (و کسانی که طلا و نقره را اندوخته می‌کنند و آن را در راه خدا خرج نمی‌نمایند ، آنان را به عذاب بس بزرگ و بسیار دردناکی مزده بده) . التوبة - 34

[يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فُتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ] (روزی (فرا خواهد رسید که) این سگه‌ها در آتش دوزخ ، تافته می‌شود و پیشانیها و پهلوها و پشت‌های ایشان با آنها داغ می‌گردد (و برای توبیخ) بدیشان گفته می‌شود : این همان چیزی است که برای خویشتن اندوخته می‌کردید ، پس اینک بچشید مزه چیزی را که می‌اندوختید) . التوبة - 35

و افسوس به کسانی که دستانشان به خون مسلمان آغشته است زیرا سزای ایشان جهنم است و مورد لعنت و عذاب عظیم واقع می شوند که هیچگونه کفارتی سبب نجات آنها شده نمی تواند :

[وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا] (و کسی که مؤمنی را از روی عمد بکشد (و از ایمان او باخبر بوده و تجاوزکارانه او را به قتل برساند و چنین قتلی را حلال بداند ، کافر بشمار می‌آید و) کیفر او دوزخ است و جاودانه در آنجا می‌ماند و خداوند بر او خشم می‌گیرد و او را از رحمت خود محروم می‌سازد و عذاب عظیمی برای وی تهیه می‌بیند) . النساء - 93

قابل تأسف است حال کسیکه بریتیم ستم روا میدارد و در تربیت وی کوتاهی نموده ، مالش را بدون حق می خورد ، در مورد چنین اشخاص وعید شدید وارد است :

[إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا] (بیگمان کسانی که اموال یتیمان را به ناحق و ستمگرانه می‌خورند ، انگار آتش در شکمهای خود (می‌ریزند و)

می‌خورند . (چرا که آنچه می‌خورند سبب دخول ایشان به دوزخ می‌شود) و (در روز قیامت) با آتش سوزانی خواهند سوخت) . النساء - 10

و افسوس به حال اهل کبر :

[عن حارثة بن وهب رضي الله عنه قال : سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقول : أَلَا أُخِيرُكُمْ يَا أَهْلَ النَّارِ ؟ : كُلُّ عَتَلٍ جَوَّاطٍ مُسْتَكْبِرٍ] (حارثه بن وهب رضی الله عنه روایت کرده که از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که فرمود : آیا شما را از جهنمیان باخبر نسازم ؟ هر سنگدل ، آزمند ، متکبر) . متفق علیه

و اهل دوزخ مردمان گوناگون با گناهان و عذاب های مختلف می باشند .

(اعاذنا الله منها و من سائر وجوه العذاب بفضله و کرمه) .

هیچگونه تهدید و تعذیب دنیوی ، مانع جدی و فعال در برابر جرایم مخفی و جنایات آشکار به مثابه وعید جهنم شده نمی تواند ، مثلاً جزای یک ظالم سفاک و قاتل هزاران مظلوم بیگناه ، در عادل ترین محاکم دنیوی بالاخره قتل شخص ظالم مذکور و اعدام عده معدودی خون آشام خواهد بود ، که هرگز در مقابل هزاران مقتول مظلوم ، کافی نمی باشد ولی در جهنم ، قاتل هزاران بیگناه ، هزارها بار سزای جرم را مواجه خواهد شد .

یکی از حکمت‌های تذکیرهای تعذیب های گوناگون دوزخ ، اصلاح نمودن نفس‌های سرکش‌ی است که به راحتی و آسانی توبه پذیر نیستند .

و زشت ترین وقت ندامت و اعتراف به قصور ، زمانی است که قابل تلافی نباشد ، پس بر انسان است تا قبل از فرا رسیدن آن موعد وحشتناک خطیر ، از تقصیرها نادم شده و با کمال اقرار به خطاهای گذشته ، راه توبه و اصلاح را در پیش گیرد .

هر مسلمان وظیفه دارد که هم خود را و هم خانواده خود را به امتثال اوامر الهی و اجتناب نواهی ترغیب دهد ، زیرا دوستی حقیقی با اهل خانه این است که آنها را از آتش جهنم نگهدارد .

خداوند تبارک و تعالی می فرماید : [يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ] (ای مؤمنان ! خود و خانواده خویش را از آتش دوزخی بر کنار دارید که افرزینه آن انسانها و سنگها است . فرشتگانی بر آن گمارده شده‌اند که خشن و سختگیر ، و زورمند و توانا هستند . از خدا در آنچه بدیشان دستور داده است نافرمانی نمی‌کنند ، و همان چیزی را انجام می‌دهند که بدان مأمور شده‌اند) . تحریم - 6

حسن بصری (رح) می گوید : [لا يدخل الجنة إلا من يرجوها ، ولا يسلم من النار الا من يخافها] (به جنت داخل نمی شود مگر کسیکه امید و آرزوی آنرا دارد .) یعنی اعمال صالحه را انجام میدهد تا به بهشت راه یابد) . و سلامت نمی ماند از آتش دوزخ مگر شخصیکه از آن خوف دارد . (یعنی از اعمال ناشایسته که سبب دخول دوزخ است پرهیز می کند) .

خوف صادق باعث اهتمام نمودن به طاعت و اجتناب کردن از معصیت می گردد ، ولی خوف کاذب تظاهر مآبانه ای فاقد یقین ، هرگز عمل مثمر را بار نمی آورد .

[عن أبي هريرة رضي الله عنه ، قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : مَنْ خَافَ أَدْلَجَ ، وَ مَنْ أَدْلَجَ بَلَغَ الْمَنْزِلَ ، أَلَا إِنَّ سِلْعَةَ اللَّهِ غَالِيَةٌ ، أَلَا إِنَّ سِلْعَةَ اللَّهِ الْجَنَّةَ] (ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود : آنکه بترسد به اول شب می رود و آنکه به اول

شب رود به منزل می رسد . آگاه باشید که متاع خدا گرانست (پر ارزش و قیمت بهااست) آگاه باشید که متاع خدا بهشت است) . (ترمذی)

در حدیث فوق الذکر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم ترسیدن مسافر را از سفر به شخصی که از خداوند می ترسد تشبیه می کند .

یعنی همچون مسافر که بخاطر ترسیدن از راه در اول شب سفر می کند ، بایستی کسی که هم از خدا می ترسد به فرمایشات الهی عمل نماید تا خداوند از او راضی شود .

اما با کمال تاسف چنان سفاهت و جهالت و غفلت از روز جزاء و زمان مجازات شایع شده است که با وجود دعوت دعوتگران حق ، از آن اعراض صورت می گیرد :

[اَفْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مَّعْرُضُونَ] (زمان) محاسبه مردمان (کفرپیشه چون قریش بسیار) بدیشان نزدیک است در حالی که آنان غافل (از هول و هراس آن) و رویگردان (از ایمان بدان) میباشند) . الأنبياء - 1

[مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِمْ مُّحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ] (هیچ بخش تازه ای از قرآن (و اندرز جدیدی) از سوی پروردگارشان بدیشان نمی رسد مگر این که آن را به شوخی می شنوند و به بازی می گیرند) . الأنبياء - 2

[لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسْرَأُ النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِّثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحْرَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ] (آنان در حالی هستند که) دلپایشان غافل است (از اندیشیدن درباره آن) . چنین ستمپیشگانی گفتگوهای درگوشی (خود را که برای توطئه علیه پیغمبر و قرآن انجام می دادند) پنهان می داشتند (و به همدیگر) می گفتند : مگر این (شخص که ادعای پیغمبری می کند) انسانی همچون شما نیست ؟ (حال که او بشر عادی و همسان با شما است و کلام جادویی دارد) آیا به سراغ جادو می روید (و آن را می پذیرید) گرچه می بینید (که جادو است ؟ !) . الأنبياء - 3

آیا وقت آن نرسیده است که به ندای نجات گوش فرا داده شود ؟ ! آیا وقت آن نرسیده است که به واقعات بدیده حق و عدل نگرسته شود ؟ ! آیا وقت آن نرسیده است که قلبها با یاد الله و خوف الله به کتاب الله گرویده و به تضرع و زاری پردازند ؟ !

[أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ] (آیا وقت آن برای مؤمنان فرا نرسیده است که دلپایشان به هنگام یاد خدا ، و در برابر حق و حقیقتی که خدا فرو فرستاده است ، بلرزند و کرنش برد ؟) الحديد - 16

برادر محترم : باید دانست که هر یک ما و شما از سر دوزخ (پل صراط) عبور خواهیم نمود ، اهل تقوی از آنجا بخیر و عافیت خواهند گذشت ولی گنهگاران و ظالمان در جهنم می افتند . (العیاذ بالله)

[وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا] (همه شما (انسانها بدون استثناء) وارد دوزخ می شوید (مؤمنان برای عبور و دیدن ، و کافران برای دخول و ماندن) . این امر حتمی و فرمانی است قطعی از پروردگارتان) . مریم - 71

[ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا] (سپس پرهیزگاران را نجات می دهیم ، و ستمگران را ذلیلانه در آن رها می سازیم) . مریم - 72

تا کی غفلت ورزیده ، به فرزندان و مال دنیا تفاخر نماییم ؟

در حالیکه موت هر آن در کمین است ، و عاقبت آدمیزاد در زیر زمین است ، و سزای این غفلت و نسیان ، دوزخ عین الیقین است .

[أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ] (مسابقه افزون‌طلبی و نازش (به مال و منال و خدم و حشم و ثروت و قدرت) شما را به خود مشغول و سرگرم می‌دارد) . التکائر - 1

[حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ] (تا بدان گاه که (می‌میرید و) به گورستانها می‌روید (و کار از کار می‌گذرد) . التکائر - 2

[كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ] (هان بس کنید ! (بعد از مرگ) خواهید دانست (که چه خاکی بر سر خود ریخته‌اید) . التکائر - 3

[ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ] (باز هم (می‌گویم :) هان بس کنید ! خواهید دانست (که چگونه خود را خانه خراب و بدبخت کرده‌اید) . التکائر - 4

[كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ] (هان بس کنید ! اگر آگاهی قطعی و یقینی داشته باشید (و از فرجام کار خود کاملاً باخبر باشید ، از این مسابقه افزون‌طلبی و مباحثات به قدرت و ثروت دست می‌کشید و گرد ملاحی نمی‌گردید و به کار آخرت می‌پردازید) . التکائر - 5

[لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ] (شما قطعاً دوزخ را خواهید دید) . التکائر - 6

[ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ] (باز هم (می‌گویم :) شما آشکارا و عیان ، خود دوزخ را خواهید دید (و در آن خواهید افتاد) . التکائر - 7

[ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ] (سپس در آن روز از ناز و نعمت بازخواست خواهید شد) . التکائر - 8

دوستی حقیقی آنست که دوستان را از فاجعه آگاه سازی تا در صدد چاره شوند ، و ای برادر ! برای اثبات خردمندی ات ، قبل از آن روزیکه حتی مجانین بهوش می آیند ، هوشیار شو ، و ابتدایی ترین جلوه خرد دوری از آتش است ، و بدان که بی غمی ها و بی خردی های گناه آلود ، فاجعه سقوط در جهنم را در پی دارد .

[رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا] (پروردگارا ! عذاب دوزخ را از ما به دور دار . چرا که عذاب آن (گریبانگیر هر کس که شد از او) جدا نمی‌گردد (و تا ابد ملازم وی می‌شود) . الفرقان - 65

[إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا] (بی‌گمان دوزخ بدترین قرارگاه و جایگاه است) . الفرقان - 66

رباسخ (از):

دکتر: نهضتیار خطیبی